

سازمان بازرسی کل کشور، در پشت دیوار آهنین!

احمد بشیری

بازرسی کل کشور، این سازمان، "موظف" است که مانند یک "تور افکن"، به تمام گوشه های تاریخ امور کشور، "پرتوافشانی" کند و هرگونه نابسامانی در کارها و سرپیچی از مقررات قانونی را، یافته و برای به سامان گردانیدن کارها و به فرمان آوردن سرکشان، چاره گری کند.

در ماده یک قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور آمده است:

"به منظور نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین، در دستگاه های اداری و در اجرای اصل ۱۷۴ قانون اساسی ج.ا.ا. سازمانی به نام "سازمان بازرسی کل کشور" که در این قانون، به اختصار "سازمان" نامیده می شود، زیر نظر شورای عالی قضایی، و با اختیارات و وظایف مندرج در این قانون، تشکیل می شود." در ماده ۲ قانون، "وظایف" بسیار مهمی به سازمان، سپرده شده است:

الف- بازرسی مستمر کلیه وزارتخانه ها و ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسات عام المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان، متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحاء، بر آنها نظارت یا کمک می نماید و کلیه سازمان هایی که شمول این قانون نسبت به آنها، مستلزم ذکر نام آنهاست، بر اساس برنامه منظم.

ب- انجام بازرسی فوق العاده بر حسب دستور شورای عالی قضایی و یا به درخواست کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسؤول دستگاه های اجرایی ذی ربط و یا هر

و "خلوتیان"، "رودست" بخورند و رشته کارها را از کف بدهند.

مثلاً گفته اند که "شاه عباس" صفوی، خودش، مخصوصاً شب ها، با لباس میدل و اغلب در هیأت درویشان و راهیان، ناشناسانه، به هر سویی گذری و با هر طایفه، نشست و برخاستی می کرده و بدین گونه، در می یافته است که "اوضاع، از چه قرار است" و "یا میرزا تقی خان امیرکبیر" و ... به روزگار ما، که همه دستگاه های کشوری و

در تاریخ مدنی کشورهای جهان، ایران یکی از کشورهایی است که از دیرترین روزگاران، دارای دستگاه های بازرسی و نظارت بر چگونگی اوضاع و شیوه کار و رفتار گردانندگان امور کشور بوده و در هر روزگاری، به گونه یی بر جریان امور، دقیقاً نظارت می شده است. تاریخ می گوید: کهن ترین تشکیلات استوار و

شیوه تحریر ماده ۳۰ آیین نامه قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و تبصره الحاقی آن، نه تنها با حال و هوای قانون مذکور نمی خواند، بلکه می توان گفت این ماده، برخلاف منطبق آن قانون تصویب شده است

لشکری، بر مدار "قانون" پایه گذاری شده است و می شود، کار بازرسی و نظارت بر جریان امور نیز، به گفته امروزی ها، "قانونمند" شده است. یکی از بهترین و کارسازترین "تأسیسات" های قانونی کشور در دوران جدید، "سازمان بازرسی کل کشور" است که هر چند در گذشته هم وجود داشت، ولی از سال ۱۳۶۰ به این سو، با "ساز و کار" نوین، برپا گردیده است.

سازمان بازرسی کل کشور، از تأسیسات پیش بینی شده در قانون اساسی است که برابر اصل ۱۷۴ آن: "بر اساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین، در دستگاه های اداری، سازمانی به نام "سازمان بازرسی کل کشور"، زیر نظر قوه قضاییه تشکیل می گردد..." برابر "قانون تشکیل سازمان

با اساس بازرسی، که در کشور ما پدید آمده، به تدبیر و ابتکار داریوش هخامنشی، نامور به داریوش بزرگ یا داریوش اول بوده که او، در سراسر قلمرو پهناور زیر فرمان خود، بازرسانی گماشته بوده است که در تمام ساعات شبانه روز، اخبار دورترین تا نزدیک ترین گوشه های کشور را، به همیاری "چاپار" های تیز تک و خستگی ناپذیر، منظمآ به آگاهی او می رسانیده اند. به این بازرسان، خواه پنهان و خواه آشکارا، "چشم و گوش شاه" می گفته اند.

کار بازرسی را، گذشته از بازرسان ویژه، گاهی هم، شاهان و امیران و بزرگان کشور، خودشان انجام می داده اند تا بدون واسطه و وسیله، از کم و کیف اوضاع پیرامون خود و یا جاهای دیگر، سر در بیاورند مبادا از "خبرچینان"

گزارشات بازرسی ها، محرمانه بوده و هرگونه اطلاعاتی، در رابطه با موضوع مأموریت و نتیجه بازرسی، به هر مقامی، از ناحیه بازرسان، ممنوع است.

از این جالبتر، تبصره الحاقی به ماده ۳۰ آیین نامه است که یکبارگی، آب پاکی را، روی دست جماعت زحمتکش و "ضعیف" و "محروم" خواهد ریخت زیرا که این تبصره می گوید:

"اعلام زمان و موضوع مأموریت های بازرسی، و نتایج گزارش ها و فعالیت های انجام شده، با تشخیص رییس سازمان انجام خواهد شد. گزارش های سازمان، با پیشنهاد

رییس سازمان و پس از کسب موافقت رییس قوه قضاییه، به اطلاع عموم خواهد رسید (۱)"

این تبصره را، در جهت "تکمیل" ماده ۳۰ آیین نامه در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۷ رییس سازمان بازرسی کل کشور، به رییس سازمان قوه قضاییه پیشنهاد کرده و در تاریخ ۸۰/۴/۱۸ پذیرفته و به ماده ۳۰ یاد شده، ملحق گردیده است.

از شیوه تحریر ماده ۳۰ آیین نامه قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و تبصره الحاقی آن، چنین بر می آید که کل این ماده، با حال و هوای قانون مذکور، نمی خواند و میان این دو، با یکدیگر، گونه ای "ناسازگاری" به ذهن متبادر می شود بلکه می توان گفت ماده ۳۰ آیین نامه، برخلاف منطق قانون، تنظیم و تصویب شده است.

توضیح این است که آنچه از قانون تشکیل

ثانیاً. بازرسی را، نه به صورت پراکنده و بی سامان، بلکه براساس برنامه منظم انجام دهد و پی گیری کند.

ثالثاً. "موارد تخلف و نارسایی ها و سوء جریانات اداری و مالی و..." را کشف و به مراجع ذی ربط گزارش کند.

رابعاً. در مواردی، گزارش بازرسی را، برای اقدام بایسته به "دیوان عدالت اداری" بفرستند.

خامساً (و از همه مهم تر) - برای پیشبرد کار خود، "... از وجود اقشار مختلف مردم، به خصوص زحمتکشان و ضعفا و محرومین و..." بهره مند شود.

این مطالب، همگی مایه دلشادی و امیدواری است و کسی را نمی توان یافت که از خواندن چنین مطالب آرام بخش و "دلخوش کننده" تخم خوش بینی فراوان، در صحرای دلش، جوانه نزند و "گل از گلش" باز نشود و به ویژه شخص خواننده، از شمار زحمتکشان و ضعفا و محرومین باشد، از اینکه یک بار هم که شده، به طور "جدی"، به حساب آمده است، بی گمان بر خودش خواهد بالید و برای خدمات دیگر و جانفشانی بیشتر، سراز پا نخواهد شناخت!

اما این دلخوشی و امیدواری و به اصطلاح مردم کوچه و بازار، این "خوش تپیی" حضرات، دیری نخواهد پایید و به زودی و کمی پایین تر معلوم خواهد شد که "ناز شبنم" تا سر زدن آفتاب است، زیرا که ماده ۳۰ آیین نامه اجرایی قانون می گوید:

مورد دیگری که به نظر رییس سازمان و شورای عالی قضایی ضروری تشخیص داده شود.

ج- اعلام موارد تخلف و نارسایی ها و سوء جریانات اداری و مالی در خصوص وزارتخانه ها و نهادهای انقلابی (که فهرست آنها به تصویب هیأت وزیران می رسد)، به نخست وزیر و در خصوص مؤسسات و شرکت های دولتی و وابسته به دولت، به وزیر وزارتخانه ذی ربط و در خصوص شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها، به وزیر کشور و در خصوص مؤسسات غیردولتی کمک بگیر از دولت، به وزیر امور اقتصادی و دارایی.

تبصره- در بازرسی هایی که به دنبال شکایت انجام می گیرد، یک نسخه از گزارش مبنی بر تشخیص تخلف، توسط سازمان، به دیوان عدالت اداری ارسال می گردد.

در ماده ۲۷ آیین نامه اجرایی این قانون، شیوه زیرکانه یی برای کامیابی بازرسان در کار خودشان، پیش بینی شده است که از هر جهت تازگی دارد:

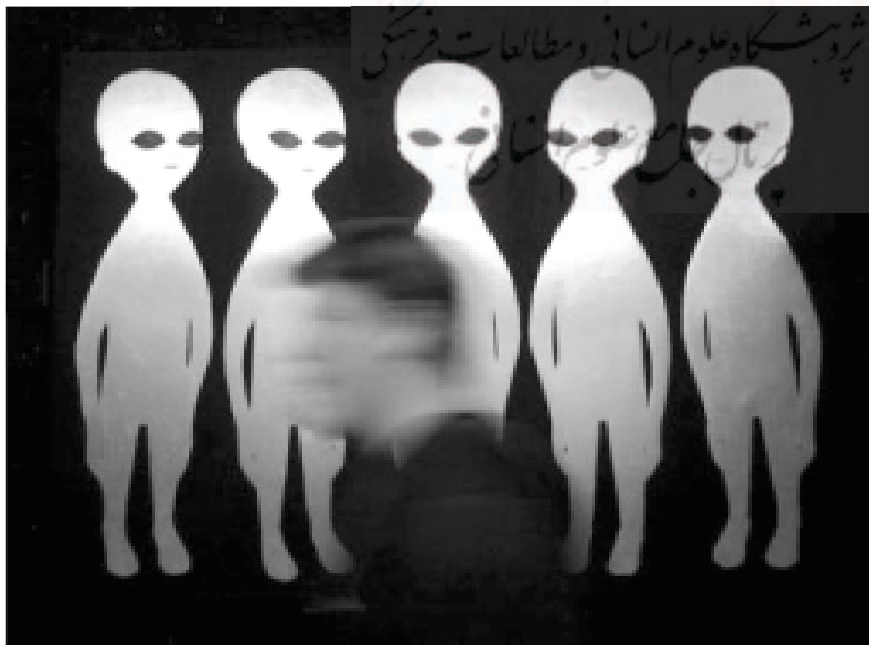
"هیأت های بازرسی، جهت انجام مأموریت خود، برای آگاهی به اوضاع منطقه، از وجود اقشار مختلف مردم، به خصوص زحمتکشان و ضعفا و محرومین استفاده خواهند نمود."

تا اینجا، از بررسی مفاد قانون، به نتایج امیدوارکننده یی می رسیم، به ویژه هنگامی که درمی یابیم قانون تأسیس، سازمان را موظف کرده است که:

اولاً- بازرسی مستمر تمام دستگاه های گفته و نگفته کشور را، در دستور کار خود بگذارد.

برابر ماده ۵ آیین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور: "سازمان می تواند بنا بر اقتضاء در هر استان، بازرسی و یا هیأت بازرسی، به طور ثابت، مستقر نماید تا به موجب تعلیمات سازمان، به انجام بازرسی و نظارت مستمر بپردازد."

چنانکه از مفاد مطالب گذشته دریافت می شود، دست سازمان، برای آگاهی یافتن از چگونگی گردش امور کشور و به دست آوردن اخبار و اطلاعات ریز و درشت، از هر جهت باز و اقتدار آتش، بی حد و مرز، گسترده و بی مانع است. به ویژه با ابتکار بی سابقه یا کم سابقه یی که برای "خبریابی" در قانون پیش بینی شده است، این گستردگی و بی مرزی اقتدارات، ابعادی تازه یی می یابد.



یاریگیری بپرهیزند و صد البته، ماحصل مفهوم کل جملات و عبارات پیشین، جز این نیست که به هر روی، مردم کشور نیز باید به طور مستمر از حسن جریان امور و نتایج کار سازمان بازرسی، آگاه شوند.

آگاه شدن مردم کشور از نتایج کار سازمان بازرسی نیز، یا از راه نشر و پخش مستقیم این موارد در رسانه های گروهی کشور عملی است و یا با فرستادن آنها به مجلس شورا و طرح موضوع در صحن و جلسه علنی مجلس و حضور نمایندگان ملت که به طور معمول، گزارش مذاکرات انجام شده در صحن و جلسه علنی مجلس هم، از رسانه های خبری کشور، پخش شود.

اما چنانکه پیشتر گذشت، انشاء ماده ۳۰ آیین نامه قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، به ویژه تبصره الحاقی اخیرالتصویب آن، کلاً با روح قانون یاد شده، ناسازگار، بلکه مخالف است.

به سخن دیگر، می توان گفت که فحواى ماده ۳۰ آیین نامه مولد و مشوق خودرایی و لغزش اجراءکنندگان قانون است و اگر اجرای قانون، اعم از اعلام زمان، موضوع مأموریت های بازرسی و نتایج گزارش ها و فعالیت های انجام شده بستگی به تشخیص رییس سازمان داشته باشد، چه کسی ضامن است که رییس سازمان، از این اختیار وسیع در تشخیص خودش، استفاده نرود و دستخوش هواهای نفسانی نگردد و از این راه به یاریگیری و نان قرض دادن و... روی نیاورد و یا از آن، برای چوب گذاشتن لای چرخ رقیبان، مخالفان سیاسی، اداری و شخصی خودش سوء استفاده نکند؟

حالت ناخوشایند و کم گیرانه موضوع مورد بحث ما، چگونگی وضع و تصویب تبصره الحاقی به ماده ۳۰ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور است:

چنانکه در یک نگاه، از شکل و شمایل وضع تبصره، که تصور تمام نمای آن در صفحه اول روزنامه رسمی موصوف چاپ شده است، بر می آید، گویا به نظر رییس قوه قضاییه، مفاد سفت و سخت ماده ۳۰ قانون که می گوید گزارشات بازرسی ها محرمانه بوده و (دادن) هرگونه اطلاعاتی... ممنوع است بسنده نیامده و تصمیم گرفته اند که به در بسته قانون، قفل محکم تری هم بزنند تا یکباره دست همه از رسیدن به کنگره

دیگران بالاتر و سنگین تر است!

از لحن قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، بر نمی آید که برای بازرسی مستمر قابل به اختیار برای اجراءکنندگان قانون بوده باشد و اگر در پاره یی موارد، به اختیار مسؤلان اشاره ای شده است، دایره وسعت آن چنان نیست که شامل حال همه موارد قانون باشد.

برای همین است که ماده ۲ قانون، اشاره دارد به وظایف سازمان و در شمار این وظایف، بازرسی مستمر را، برفران تمام وظایف سازمان قرار داده است و همه آگاهان به ادب نویسندگی و قانون گذاری، می دانند که فرق وظیفه و اختیار چیست.

اگر در قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، گهگاه، از اختیار نام برده شده است، قطعاً منظور نویسندگان قانون، تعمیم آن به همه قانون نبوده است که اگر چنین منظوری در میان می بود، دیگر هدف قانون گذاران وضع قانون، لوٹ می شد

سازمان بازرسی کل کشور بر می آید، تمام مفاد آن جنبه تکلیفی و به دیگر سخن، انجام وظیفه دارد یعنی به هنگام نوشته شدن مواد قانون، بنای تهیه کنندگان قانون، این بوده است که برای آنکه گردش کارهای سازمان های دولتی و نیمه دولتی، حتی عام المنفعه، از مدار قانونی و کیفی خارج نشود، همواره یک سازمان دیگر، به عنوان چشم و گوش حاکمیت، بر آن نظارت و بازرسی مستمر داشته باشد.

از آنجا که به هر روی، حاکمیت هر کشوری، پدیده یی است برآمده از اراده جمعی مردم کشور، ناگزیر، باید نتیجه این بازرسی های مستمر به آگاهی مردم نیز برسد تا بدانند که اولاً در کشورشان چه می گذرد. ثانیاً آنها که به جای چشم و گوش حاکمیت و در معنی آخر، چشم و گوش ملت کار می کنند، نتیجه کار و نظارتشان چیست و از هیچ جای مفاد قانون بر نمی آید که بنای کار سازمان بازرسی بر مخفی کاری آنهم پوشانیدن وقایع و

موکول کردن موارد و زمان و مکان بازرسی به تشخیص رییس سازمان بازرسی و همچنین مقید کردن انتشار و پی گیری نتیجه بازرسی ها، به اراده مقامات دیگر، نافی فلسفه وجودی سازمان بازرسی کل کشور است

حقایق از ملت، یعنی برپادارنده حاکمیت باشد که اگر بنا را بر چنین حالتی بگذاریم مانند آن است که بگویم ملت، بر امور خودش نامحرم است و در مقیاس ریز آن، بگویم صلاح نیست پدر خانواده، بداند افراد زیر تکفل او، چه می کنند و چگونه روزگار می گذرانند!

اگر قانون اساسی، به قوه قضاییه کشور، اجازه داده است که بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین، در دستگاه های اداری و... سراسر کشور حق نظارت داشته باشد، قطعاً منظور از وضع چنین اصلی، پوشانیدن اوضاع کشور از مردم نبوده است. زیرا که آگاهی مردم، بر روند گردش امور کشور، از ریز و درشت یکی از حقوق اساسی ملت است و هیچکس، با هیچ تمهید و تدبیری، حق ندارد که ملت را از استیلاء بر حق نظارت خودش محروم کند یا بی خبر بگذارد. حال اگر چنین کاری را، ائمه ملت بکنند، به مصداق حسنات الابرار، سیات المقریین (۲) گناه آنان، از

و قانون هم، خاصیت خودش را از دست می داد زیرا که تجربه نشان داده است و می دهد که اگر بنای اجرای هر قانونی، بر اختیار اجراءکنندگان آن قانون باشد، به حکم آنکه هر اجراءکننده یی انسان است (به ماشین کاری نداریم) و هر انسانی، ناگزیر دستخوش احساس و عاطفه، در این صورت، چیزی نخواهد گذشت که دیگر، اثری از اجرای قانون، برجای نماند و اگر مبنای استفاده از این اختیار نیز اراده آزاد و میل شخصی اجراءکننده باشد، دیگر فاتحه قانون خوانده است و باید چشم به راه بود که قانون، به جای آنکه قاتق نان ملت باشد، قاتل جان آن بشود!

گسترش نگاه تهیه کنندگان قانون سازمان بازرسی کل کشور، تا آنجا بوده است که از اجراءکنندگان قانون خواسته شده است، یک نسخه از گزارش مبنی بر تشخیص تخلف خودشان را، به دیوان عدالت اداری بفرستند یعنی مطلقاً از مخفی کاری، سیاسی کاری، رفیق بازی و

فلک فرسای قانون، کوتاه شود و در "حریم آن، جز "خواص" و "محارم" راه نیابند و بدین جهت، به رییس سازمان بازرسی کل کشور دستور داده اند که در این باره، "فکری" بکند و رییس سازمان هم، فکر خودش را، به صورت تبصره مورد اشاره، تدوین کرده و ضمن نامه ای، چنین به عرض ریاست قوه قضاییه رسانیده است:

"حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی - دامت برکاته - ریاست محترم قوه قضاییه - سلام علیکم. حسب الامر مورخ ۷۹/۱۱/۱۷ در خصوص مفاد ماده ۳۰ آیین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، الحاق تبصره ذیل به ماده مذکور از آیین نامه اجرایی مورد پیشنهاد است: تبصره ... (که شرحش گذشت)

آنگاه، رییس قوه قضاییه نیز، خیلی ساده و بی پیرایه، ذیل نامه را، چنین که توشیح فرموده اند: **بسمه تعالی موافقت می شود اقدام شود** و بعد هم، عین نامه، بدون مقدمات و تشریفات و به عنوان یک "متن قانونی"، در روزنامه

رسمی کشور، چاپ شده است.

تمام طول و تفصیل مطلب مربوط به تغییر مهم و اساسی قانون بسیار مهم و اثرگذار و "هراس انگیز" تشکیل سازمان بازرسی کل کشور که شنیدن نام آن، پشت شجاع ترین کارکنان دولت و غیردولت را، می لرزاند، همین است و بس. درست به مانند آغاز و انجام یک کار اداری بسیار کوچک و بی اهمیت، از قبیل موافقت با مرخصی یک روزه یک کارمند معمولی! "گل بود، به سبزه نیز آراسته شد!" صورت بدتر این گونه اجرای قانون کردن، چگونگی آگاهانیدن مردم کشور از جریان کارهای سازمان است که آنهم به "کسب موافقت رییس قوه قضاییه" و گذاشته شده است و نتیجه کلی مطلب این است که مردم کشور، دست کم، به صورت "مدرج" از چگونگی گردش امور کشور محروم شوند. یک درجه که موکول به "تشخیص" رییس سازمان برای تعقیب جریان امور است و درجه دیگر، مرهون "کسب موافقت رییس قوه قضاییه" و درجه آخر، گذشتن از دنیای "محرمانه" و "ممنوعه" ها و نگفته پیداست که با این اوصاف، "سهم آگاهی مردم، از

جریان امور کشور، چه خواهد بود؟! "

نمی دانم چرا، داستان پادشاه شدن "بهرام گور" پادشاه سلسله "ساسانی" به یاد آمدم که بزرگان کشور، تاج شاهی را میان دو شیر شرزه گذاشتند و به مردم گفتند "آگر مردی، برود تاج را، از چنگ شیرها بیرون بیاورد بر سرت بگذارد! البته بهرام، سرانجام تاج را از چنگ شیر ربود و بر سر گذاشت اما با چه دردسر و چه دلبره و چه بهای گزافی؟! "

اما بدترین حالت اجرای قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، مفاد ماده ۳۰ آیین نامه قانون است که می گوید: "گزارشات بازرسی ها، محرمانه بوده و (دادن) هرگونه اطلاعاتی، در رابطه با موضوع مأموریت و نتیجه بازرسی، به هر مقامی، از ناحیه بازرسان، ممنوع است!"

"قلم اینجا رسید، سریشکست!" در جایی، اجرای قانون به "تشخیص" رییس سازمان واگذار شده است و در جای دیگر، کاربری این تشخیص، در گرو "کسب موافقت رییس قوه قضاییه" است و اینجا که "گزارشات بازرسی ها، محرمانه" است. در



این صورت، جا دارد پرسیده شود که اثر وضعی اجرای قانون سازمان بازرسی کل کشور چیست و آیا اگر کسی پیش خودش فکر کند که اصلاً وضع این قانون، از آغاز، "کاری زاید" بوده است، باید او را سرزنش کرد؟! در حاشیه این مطالب، خواندن این خبر هم، خالی از لطف نیست:

"نمایندگان مردم شهرستان های بوشهر، گناوه و دیلم، در مجلس شورای اسلامی گفت: برای بهره مندی مردم از خدمات مطلوب تر و بالابردن ضریب امنیت ملی، پروژه اتحاد بین نیروهای درون نظام، باید عملی شود. محمد دادفر افزود: قانون، ارتباط بین نهادها و دستگاه ها را، تنظیم کرده و هیچ ابهامی نیز در نحوه ارتباط قوا وجود ندارد.

دادفر، تصریح کرد: با این وجود، متأسفانه الان مشکل قرار نگرفتن هر نهادی به جای خود و به نوعی، خروج از حد و اندازه ها و گذشتن از مزر قانون، با تکیه بر حب و بغض های گروهی و بانندی، مشکلاتی ایجاد کرده است.

عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس گفت: برای گریزان این وضعیت، باید گفتارها، تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها، از پرده ابهام خارج شود، امور، به صورت شفاف، در منظر عمومی قرار گیرد و دیپلماسی پنهان نیز، جای خود را به دیپلماسی آشکار بدهد.

نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی افزود: شفافیت سازی در تصمیم گیری ها و ایجاد روح همگرایی، به عنوان یک ضرورت مورد نیاز جامعه، احساس می شود.

دادفر افزود: هم اینک، در دستگاه قضایی و شورای نگهبان، مباحثی مطرح و تصمیم گیری می شود که از دید همه، به جز عده ای معدود، پنهان است و تنها، تبعات این تصمیم گیری ها،

در جامعه آشکار می شود.

دادفر گفت: همه افراد جامعه باید خود را ملزم کنند که تفسیر سلیقه یی از قانون نداشته باشند و قانون را، مطابق نظر قانون گذار و آن طور که عقل جمعی گواهی می دهد، تفسیر کنند و نیروهای درون نظام نیز، مردم را اصل، اساس و منشاء وجود خود، در عرصه حاکمیت بدانند. (۲)

گفت: اگر مردم یکی بودی چه بودی؟ با آن ترکیب ماده ۲۰ آیین نامه قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، که آگاهی رسانی از کارهای سازمان به "عموم" را، در پشت دیوار آهنین و غیر قابل نفوذی مانند "تشخیص رییس سازمان"، موافقت رییس قوه قضاییه و "محرمانه" و ممنوع بودن خبرها و خبررسانی ها، پنهان کرده است و با این "ضجه مویه" نماینده مردم بوشهر در مجلس، که از "پنهان بودن مباحث مطروحه و تصمیم گیری های قوه قضاییه و شورای نگهبان ناله می کند، جا دارد پرسیده شود که: "دوستان! در این میان، مردم چه کاره اند؟! و آیا این "عموم" که شما هم، تلویحاً باورشان دارید، در صورتی که حق ندارند بدانند در گوشه و کنار کشورشان چه می گذرد، و اگر هم قرار باشد با گذرانیدن از چند تا "صافی ستبر و ریز، اطلاعاتی "قطره چکانی"، مختصر و غیر شفاف" به آنان داده شود، پس این "عموم" محترم، "به تماشای جهان آمده اند؟"

مخالفت یا ناسازگاری ماده ۳۰ آیین نامه قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و تبصره الحاقی به آن، با مفاد و "روح" آن قانون، از دیدگاه های دیگر هم در خور بررسی است.

در قوانین ما، چه قانون اساسی و چه قوانین موضوعه، همواره با "خودسری"، "استبداد رأی"، "سوء استفاده از قدرت قانونی"، "اعمال غرض"، "تبعیض"، "اهمال در انجام وظایف" و ... از سوی کارکنان دولت و گاه مردم عادی هم، به شدت

نکوهش و تحذیر و بی درنگ، برای هر کدام از آن کارها، کیفرهای شدید قانونی، پیش بینی شده است. شاهد مثال، در این باره، ماده ای از قانون مجازات اسلامی است که با بحث کنونی ما هم، مناسبتی دارد:

در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی آمده است: "هر یک از مقامات قضایی، که شکایت و نظمی، مطابق شرایط قانونی، نزد آنها برده شود و با وجود این که رسیدگی به آنها، از وظایف آنان بوده، به هر عذر و بهانه، اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون، از قبول شکایت یا رسیدگی به آن، امتناع کند، یا صدور حکم را، برخلاف قانون، به تأخیر اندازد، یا برخلاف تصریح قانون رفتار کند، دفعه اول، از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار، به انفصال دائم از شغل قضایی محکوم می شود و در هر صورت، به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد." جای آن دارد که مسؤولان امور کشور، به هنگام تصمیم گیری های خودشان، درنگ کنند و از مشاوره رایزان و کارشناسان دلسوز، بیشتر کمک بگیرند تا از تدبیر و اندیشه آنان، تصمیم هایی صادر نشود که قوانین آمره کشور را، مخدوش بگرداند و امور آن را، به سوی نابسامانی و پریشانی براند و افکار و اذهان مردم را، برآشوباند و در فرجام کار، خودشان هم، نه "خیر"ی از دنیا ببرند و نه از "توب" آخرت برخوردار گردند.

باری، چو فسانه می شوی، ای بخرد

افسانه نیک شو، نه افسانه بد!

پی نوشت ها:

- ۱- روزنامه رسمی ج.ا. شماره ۱۶۴۱۸-۱۶۴۲۴/۴/۱۳۸۰
- ۲- نیکوکاری، به شیوه یاران، برای نزدیکتران، گناه است= وظیفه نزدیکتران، از یاران، سنگین تر است!
- ۳- روزنامه نوروز شماره ۹۷-۱۱/۵/۱۳۸۰